

## جلال او را نگرستیم، پر از فیض و راستی

یوحنا ۱: ۱۴-۱۸

و کلمه جسم گردید و میان ما ساکن شد، پر از فیض و راستی، و جلال او را دیدیم، جلالی شایسته پسر یگانه پدر. و یحیی بر او شهادت داد و ندا کرده می‌گفت: «این است آن که درباره او گفتم، آن که بعد از من می‌آید پیش از من شده است، زیرا که بر من مقدم بود.» و از پُری او جمیع ما بهره یافتیم و فیض به عوض فیض، زیرا شریعت به وسیله موسی عطا شد، اما فیض و راستی به وسیله عیسی مسیح رسید. خدا را هرگز کسی ندیده است، پسر یگانه‌ای که در آغوش پدر است همان او را ظاهر کرد.

مطلب خود را از آیه ۱۴ آغاز می‌کنیم تا نکته اصلی در این پاراگراف را بررسی نماییم. «و کلمه جسم گردید و میان ما ساکن شد، پر از فیض و راستی، و جلال او را دیدیم، جلالی شایسته پسر یگانه پدر.» حال، به آیه ۱ بازگردیم تا به یاد آوریم که «کلمه» به چه کسی اشاره می‌کند. «در ابتدا کلمه بود و کلمه نزد خدا بود و کلمه خدا بود» (یوحنا ۱: ۱). پس «کلمه» به خدای پسر اشاره دارد.

من واژه «پسر» را به کار می‌برم، چرا که این واژه در آیه ۱۴ به کار رفته است: «کلمه جسم گردید و میان ما ساکن شد و جلال او را دیدیم، جلالی شایسته پسر یگانه پدر.» پس «کلمه» پسر خدا است.

### یک خدا، سه شخصیت

مسلمانان در خصوص واژه «پسر» به خطا رفته‌اند و لغزش خورده‌اند، همان‌طور که بسیاری دیگر نیز در این مورد دچار اشتباهند. برخی از آنها فکر می‌کنند منظور ما این است که خدا با مریم رابطه جنسی داشته و پسری را به وجود آورده است. ولی منظور کتاب مقدس این نیست. انجیل یوحنا ۱: ۱ می‌فرماید: «در ابتدا کلمه بود.» این «کلمه» پسر خدا است و پسر خدا آغازی نداشته است. او از ابتدا وجود داشته است. او تا جایی که بتوانید به عقب برگردید، یعنی از ازل، وجود داشته است. آیه ۳ می‌فرماید: «همه چیز به واسطه او آفریده شد و به غیر از او چیزی از موجودات وجود نیافت.» این بدان معنا است که پسر آفریده نشد. او به هیچ شکل جزیی از آفرینش نیست. بنابراین، آنچه درباره پسر خدا می‌دانیم این است که: (۱) پسر خدا است؛ (۲) پدر نیز خدا است؛ (۳) پسر پدر نیست، او نزد پدر بود؛ (۴) پسر ابدی است و آفریده نشده است.

درباره آموزه تثلیث، یعنی یک خدا در سه شخص پدر و پسر و روح القدس، بیش از این حرف برای گفتن وجود دارد. اما فعلاً تا همین حد را در ذهن داشته باشید. پسر و پدر یک خدا در دو شخص هستند. آنها از یک ذات الهی برخوردارند. آنها یک خدا هستند با دو مرکز خودآگاهی.

### خدا انسان شد بدون اینکه از خدا بودن بازایستد

آنچه آیه ۱۴ بدان اشاره می‌کند، که یکی از مهم‌ترین رویدادهای تاریخ می‌باشد، این است که کلمه، یعنی پسر، انسان شد بدون اینکه از خدا بودن بازایستد.

«کلمه جسم گردید» یعنی اینکه کلمه الهی و پسر الهی خدا انسان شد بدون اینکه از خدا بودن بازایستد. چطور این را متوجه می‌شویم و این برای ما چه مفهومی دارد؟ با مراجعه به آیه ۱۴، به این پرسشها پاسخ می‌دهیم.

## کلمه میان ما ساکن شد

اولین دلیلی که معتقدیم کلمه الهی، در انسان شدنش، از کلمه الهی بودن بازنايستاد به این جمله در آیه ۱۴ بازمی‌گردد: کلمه «میان ما ساکن شد». فاعل این جمله کلمه است و این کلمه خدا است. پس طبیعی‌ترین حالت این است که بگوییم خدا، یعنی کلمه، میان ما ساکن شد. به همین دلیل، آن فرشته در انجیل متی ۲۳:۱ چنین گفت: «اینک، باکره آبستن شده، پسری خواهد زایید و نام او را عمانوییل خواهند خواند» (که به این معنا است: خدا با ما). وقتی کلمه، یعنی پسر، انسان شد، از خدا بودن بازنايستاد.

## جلالی شایسته پسر یگانه خدا

دومین دلیل پذیرش این واقعیت عبارت بعدی در آیه ۱۴ است: «جلالی شایسته پسر یگانه پدر». جلال چه کسی؟ جلال کلمه، کلمه‌ای که خدا است. این جلال چه نوع جلالی است؟ «جلالی شایسته پسر یگانه پدر».

وقتی یوحنا می‌گوید جلال کلمه جسم‌یافته «جلالی شایسته پسر یگانه پدر» است، آیا واژه «شایسته» به معنای جلالی بدل می‌باشد؟ یعنی جلال واقعی پسر نیست، بلکه صرفاً جلالی شایسته پسر است؟ من این‌طور فکر نمی‌کنم. برای مثال، اگر من بگویم: «کتابی دارم و می‌خواهم برای اهدای این کتاب شما اولین گزینه‌ام باشید» شما در پاسخ نمی‌گویید: «من واقعاً اولین گزینه شما نیستم؛ من صرفاً مانند گزینه اول هستم.» خیر، وقتی می‌گویم «شما اولین گزینه‌ام باشید» منظورم این است که «من این کتاب را به شما می‌دهم و شما واقعاً اولین گزینه من هستید.» وقتی یوحنا می‌گوید: «جلال او را دیدیم، جلالی شایسته پسر یگانه پدر» منظورش این است که «جلال او را دیدیم، جلالی که واقعاً جلال پسر خدا است.»

ما بر این حقیقت واقفیم، چرا که باز هم در بخش اول از آیه ۱۴ یوحنا واضح و روشن می‌گوید «جلال او را دیدیم.» هیچ قید و شرطی وجود ندارد. جلال چه کسی؟ جلال کلمه جاودانه، یعنی پسر. «کلمه جسم گردید و میان ما ساکن شد و جلال او را دیدیم.» بنابراین، شگفتی و اعجاب آموزه «تجسم یافتن» همچنان به قوت خود باقی است. کلمه جسم گردید و بدون اینکه از خدا بودن بازایستد جسم گردید. او جلال خدا را عیان می‌سازد.

## این برای ما چه مفهومی دارد؟

آیات ۱۵-۱۸ دلایل بیشتری ارائه می‌دهند تا باور داشته باشیم که کلمه جسم گردید بدون اینکه از خدا بودن بازایستد. اکنون، با توجه به آیه ۱۴، این پرسش مطرح است که کلمه جسم گردید، یعنی پسر خدا انسان شد بدون اینکه از خدا بودن بازایستد، می‌تواند برای ما چه مفهومی داشته باشد. چرا این را می‌پرسیم؟ اولین دلیلش این است که خود آیه بدان پاسخ می‌دهد، اما دلیل دیگری نیز وجود دارد.

## پرورش فرهنگی که خواهان ایجاد رابطه است

رساله فیلیپیان ۳:۲-۴ می‌فرماید: «و هیچ چیز را از راه تعصب و عجب مکنید، بلکه با فروتنی دیگران را از خود بهتر بدانید و هر یک از شما ملاحظه کارهای خود را نکنند بلکه هر کدام کارهای دیگران را نیز.» به بیان دیگر، بیایید ما ایمانداران به گونه‌ای رشد کنیم که از دایره خود خارج شویم و دیگران را خدمت نماییم و به امور دیگران نیز بیندیشیم.

پایه و اساس آن ذهنیت خدمتگزار، آن ذهنیتی که خواهان برقراری ارتباط است، بر چه چیزی استوار است؟ آیات بعدی این را توضیح می‌دهد: «پس همین فکر در شما باشد که در مسیح عیسی نیز بود، که چون در صورت خدا بود با خدا برابر بودن را غنیمت نشمرد، لیکن خود را خالی کرده، صورت غلام را پذیرفت و در شباهت مردمان شد» (فیلیپیان ۲:۵-۷). به عبارت دیگر، شالوده آن محبت فروتن و

خدمتگزار و زیربنای آن فرهنگ تجدیدیافته که خواهان ایجاد رابطه است این می‌باشد: کلمه جسم گردید و میان ما ساکن شد و برای ما جان خود را فدا نمود.

## تجسم یافتن و کاربرد

الهیاتی که در رساله فیلیپیان فصل ۲ مطرح می‌شود دقیقاً همین الهیاتی است که در انجیل یوحنا با آن روبه‌رو هستیم. این حقایق ما را یاری می‌رسانند تا مسیح و جلال در مسیح را بشناسیم و به واسطه مسیح تبدیل شویم تا محبت ورزیم (۱۳:۳۴؛ ۱۵:۱۲). منظور این است که این حقایق کلیسا را از نظر روابط دگرگون کند و ما را پرمحبت‌تر، مفیدتر، و خادم‌تر گرداند تا کمتر مغرور و خودخواه و کناره‌گیر باشیم و بیشتر به دیگران توجه نماییم.

پس وقتی می‌گویم تا وقتی این پرسش را مطرح نکرده‌ایم که «کلمه جسم گردید» برای ما چه مفهومی دارد باید در آیه ۱۴ تأمل کنیم، پیشاپیش، می‌توانید به دلیل مطرح نمودن این پرسش پی ببرید، چرا که هرگز از نظر من دور نبوده است که این الهیات عظیم چگونه می‌تواند زندگی شخصی و روابط ما را تغییر دهد.

## ما در عیسی جلال خدا را می‌بینیم

بنابراین، «کلمه جسم گردید» برای ما چه مفهومی دارد؟ آیه ۱۴ می‌فرماید: «پر از فیض و راستی، و جلال او را دیدیم، جلالی شایسته پسر یگانه پدر.» این بدان معنا است که در عیسی مسیح می‌توانیم جلال خدا را ببینیم و این بدین معنا است که جلال خدا، که در عیسی مکشوف گشت، ما را در گناهمان نابود نمی‌سازد، برعکس، این جلال «پر از فیض و راستی» است. یعنی جلال خدا در مسیح این است که خدا به ما رحم و شفقت نشان می‌دهد بدون اینکه راستی و امانت‌داری به خویش را به خطر اندازد. این رحم و شفقت بسیار بسیار عظیم است. به همین دلیل، یوحنا واژه «پر» را به کار می‌برد. واژه «پر» جلال را توصیف می‌نماید. جلال پسر خدا پر از فیض و رحمت برای ما گناهکاران است بدون اینکه حقیقت خدا را به خطر اندازد.

## پر از فیض . . .

این واقعاً خبری خوش است. خدا می‌توانست در مقام یک قاضی و مأمور اعدام مجسم شود و همه ما نیز در حضور او خطاکار و مقصر بودیم و به مجازات ابدی محکوم می‌گشتیم. ولی او به این شکل جسم نگردید. کلمه، پسر، که خدا است جسم گردید تا جلالی الهی را مکشوف نماید که «پر از فیض و راستی» است. کلمه خدا جسم گردید تا نسبت به ما رحیم و پرشفقت باشد. کلمه خدا جسم گردید تا این رحمت و شفقت به ما مطابق با حقیقت و راستی خدا باشد. این فیض فیضی سطحی و احساساتی و بی‌اعتنا به اصول نیست.

این فیض فیضی برحق و پر بها است که خدا را برمی‌افزاید، فیضی است که مستقیماً به مرگ عیسی بر صلیب منتهی خواهد شد. در واقع، عیسی به همین دلیل جسم انسانی به خود گرفت. عیسی می‌بایست جسم می‌گرفت تا بتواند جان بسپارد. او می‌بایست انسان می‌شد تا در حالی که هم خدا هم انسان بود به جای ما جان دهد (عبرانیان ۲: ۱۴-۱۵). کلمه جسم گردید تا مرگ عیسی مسیح ممکن شود. صلیب آن مکانی بود که پری فیض در آنجا تابناک‌تر درخشید. در صلیب مسیح بود که این مهم صورت پذیرفت و بهایش پرداخت شد.

## . . . و راستی

و این مهم از طریق مرگ به انجام رسید، زیرا که پسر خدا پر از فیض و راستی است. خدا به ما رحیم است و به راستی خویش امین. از این‌رو، وقتی پسرش می‌آید، پر از فیض و راستی است. وقتی مسیح جان سپرد، خدا به راستی خویش امین ماند، چرا که گناه مجازات شد و وقتی مسیح جان داد، خدا به ما فیض و رحمت نشان داد، چرا که مسیح مجازات شد نه ما.

«کلمه جسم گردید» برای ما این مفهوم را می‌رساند که جلال خدا در سراسر تاریخ هرگز بدین‌گونه مکشوف نگشته بود. یعنی هرگز به آن تابناکی که در مرگ عیسی برای گناهکاران، پر از فیض و پر از راستی، درخشید نمایان نبوده است.

### دیدن زیبایی روحانی

در اینجا، مراقب باشید نگویید که: «بسیار خوب، من آنجا نبودم تا عیسی را ببینم. پس آن جلال در دسترس من نیست تا آن را مشاهده کنم. شما که مذهبی هستید می‌توانید هر قدر می‌خواهید درباره جلال پسر خدا صحبت کنید، اما او اینجا نیست تا دیده شود.» مراقب باشید! فکر نکنید آن جلالی که آیه ۱۴ بدان اشاره می‌کند صرفاً درخشش یا زیبایی ظاهری است. عیسی از نظر فیزیکی درخشان یا زیبا نبود: «او را نه صورتی و نه جمالی می‌باشد و چون او را می‌نگریم، منظری ندارد که مشتاق او باشیم» (اشعیا ۵۳:۲).

و گمان مبرید آن جلالی که در آیه ۱۴ از آن نام برده شده است صرفاً خود را در معجزات نمایان می‌سازد. کسانی بوده‌اند که معجزات را به چشم خود دیدند و می‌دانستند که چنین معجزاتی رخ داده بود، ولی زیبایی یا جلالی را در آن معجزات مشاهده نکردند. آنها می‌خواستند عیسی را بکشند (یوحنا ۱۱:۴۵-۴۸).

خیر، جلال مکشوف پسر خدا، جلال کلمه، جلال عیسی مسیح هنگامی که به این جهان آمد، در اصل، جلالی روحانی است، زیبایی روحانی است و این چیزی نیست که آن را با چشم فیزیکی مشاهده کنید، بلکه آن را با چشم دل باید دید (افسیان ۱:۱۸). ما به شیوه سخن گفتن او و به شیوه اعمال او و به شیوه محبت نمودن او و به شیوه جان سپردن او می‌نگریم، ولی با فیض است که آن جلال الهی یا آن زیبایی را می‌بینیم که خود را به اثبات می‌رساند.

### ترکیب بی‌همتای فیض و راستی

پولس در رساله دوم قرنتیان ۴:۴ این حقیقت را بدین شکل بیان می‌کند: «خدای این جهان فهم‌های بی‌ایمانشان را کور گردانیده است تا مبدا تجلی بشارت جلال مسیح که صورت خدا است ایشان را روشن سازد.» «جلال مسیح که صورت خدا است» همان چیزی است که یوحنا ۱۴:۱ آن را «جلالی شایسته پسر یگانه پدر، پر از فیض و راستی» می‌نامد.

و یادتان باشد که روی سخن پولس با کسانی است که در زمان حیات عیسی در این جهان، هرگز، او را ندیده بودند، همان‌طور که مخاطبان انجیل یوحنا نیز مانند ما عیسی را به چشم خود ندیده بودند. جلالی که یوحنا ۱۴:۱ و دوم قرنتیان ۴:۴ بدان اشاره می‌کنند جلالی است که به هنگام شنیدن رویداد زندگی عیسی، به لحاظ روحانی، مشاهده می‌نمایید.

لازم نیست او را در بُعد فیزیکی ببینید. عیسی در انجیل یوحنا ۲۹:۲۰ می‌فرماید: «خوشا به حال آنانی که ندیده ایمان آورند.» شما در انجیل یوحنا و سایر نوشته‌های کتاب مقدس با عیسی ملاقات می‌کنید و زمانی که با او ملاقات می‌کنید آن رویدادهای الهام‌شده و گفتار و کردار عیسی جلالتش را می‌تابانند، یعنی زیبایی آن ترکیب بی‌همتای فیض و راستی که خود را به اثبات می‌رساند.

### انجیل تولد دوباره می‌بخشد

این یک اتفاق نیست که آیات ۱۲-۱۳ تولد دوباره را توصیف می‌کنند و آیه ۱۴ دیدن جلال پسر خدا را. آیات ۱۲-۱۴:

و اما به آن کسانی که او را قبول کردند قدرت داد تا فرزندان خدا گردند، یعنی به هر که به اسم او ایمان آورد، که نه از خون و نه از خواهش جسد و نه از خواهش مردم بلکه از خدا تولد یافتند و کلمه جسم گردید و میان ما ساکن شد، پر از فیض و راستی، و جلال او را دیدیم، جلالی شایسته پسر یگانه پدر.

آیه ۴ را به خاطر آورید: «در او حیات بود و حیات نور انسان بود.» وقتی حیات تازه روحانی عطا می‌شود، نوری تازه پدیدار می‌گردد. این نوری فیزیکی نیست، بلکه درخشندگی روحانی جلال پسر خدا است که در آیه ۱۴ بدان اشاره شده است. بدین‌گونه است که می‌توانیم ببینیم.

و این حیات تازه روحانی چگونه برای ما روی می‌دهد؟ آیه ۱۳ می‌فرماید این حیات تازه مشروط به آن است که ما نه از انسان بلکه از خدا تولد یابیم. این حیات با تولد دوباره یافتن آغاز می‌گردد و این‌گونه است که ما ایمان می‌آوریم و مسیح را می‌پذیریم و فرزندان خدا می‌گردیم (یوحنا ۱:۱۲).

انجیل حیات روحانی می‌بخشد، یعنی با شنیدن اعمال و گفتار نجات‌بخش عیسی است که خدا در ما حیات روحانی به وجود می‌آورد. ما به واسطه انجیل از خدا تولد می‌یابیم (اول پطرس ۱:۲۳-۲۵) و آن حیات تازه روحانی قادر است نور جلال مسیح را مشاهده نماید (یوحنا ۱:۴). این امر در یک دم روی می‌دهد. به این دلیل است که انجیل یوحنا ۸:۱۲ آن را «نور حیات» می‌نامد. وقتی به شما حیات روحانی عطا می‌گردد، جلال روحانی را مشاهده می‌نمایید.

### آن جلال را ببینید

اگر بخواهیم این مطلب را به شکل دیگری بیان کنیم، باید این‌طور بگوییم که بنا بر آیه ۱۲ این حیات و بینش تازه به نور ایمان می‌آورد و نور را چون حقیقت و جلال عیسی مسیح، پسر خدا، می‌پذیرد. آیه ۱۲ می‌فرماید که در آن حیات و نور و ایمان آوردن و پذیرفتن است که این حق به ما داده می‌شود تا فرزندان خدا نامیده شویم. یعنی ما فرزندان خدا هستیم، زیرا این حیات و نور و باور و پذیرفتن این حق را از آن ما می‌کند که فرزندان خدا باشیم.

از این‌رو، پسر مجسم خدا را در حضور شما برمی‌افرازم: کلمه جسم گردید و میان ما ساکن شد بدون اینکه از خدا بودن بازایستد. جلال او را ببینید، جلالی شایسته پسر یگانه پدر، پر از فیض و راستی. او را ببینید، زیرا آن جلال خود او است، او را ببینید و حیات یابید. آمین.

جان پای‌پر